

آثار فردی و اجتماعی عدالت مهدوی

محمد مهدی خانری

اشاره:

عدالت گستری اصلاح‌ترین رسالت قیام و انقلاب مهدی (ع) است. آثار عدالت مهدوی محدود به عرصه‌های حاضر نخواهد بود. بلکه در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی آشکار خواهد شد و این تفسیر «یملأ الله به الارض قسط و عدلاً» است ره آورد قیام آن حضرت این است که هم فرد را در روابط گوناگون خود می‌سازد و هم جامعه را در بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضائی سامان می‌بخشد. در این مقاله تلاش کرده‌ایم که جریان عدالت مهدوی و چگونگی آن را در عرصه‌های گوناگون فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم.

پیش از پرداختن به اصل موضوع، لازم است معنی و مفهوم عدل به درستی آشکار شود. در معنی عدل گفته‌اند:

هو توسط بین الافراط و التفريط بحيث لا تكون فيه زیادة و لانقیصة ...
 ثم ان العدالة اما فی الرأی و الافکار اذا کان مصوناً عن الانحراف والضعف
 والحدّة و يطابق الحق والصواب [کما فی قوله تعالی]: ﴿ و اذا حکمتم بین
 الناس ان تحکموا بالعدل ﴾^۱
 و اما فی الصفات النفسانية بان تكون الاخلاق الباطنية معتدلة لیس فیها
 افراط و لاتفريط... و اما فی الاعمال و هو فی الاقوال و فی الوظائف
 الانفرادية و فی الاعمال الاجتماعية.... [کما فی قوله تعالی]: ﴿ و اذا قلتم
 فاعدلوا و لو کان ذا قریبی ﴾^۲

۱. نساء، ۵۸.

۲. انعام، ۱۵۲.

... و لیعلم ان موضوع العداله من اهم الموضوعات... و اليها يرجع كل عمل حسن و خلق مطلوب و رأی صائب... و هو المطلوب فی كل مورد و فی كل مقام.^۱

عدالت میانه زیاده روی و کوتاهی است و به معنی آن است که در امور، زیادی و کمی نباشد... عدالت یا در اندیشه و افکار است؛ به این معنی که از انحراف و سستی به دور بوده و مطابق حق و راستی باشد؛ همان گونه که خداوند در قرآن دستور داده است: «و آن گاه که میان مردم حکم می کنید، به عدالت داورى کنید...»

یا در صفات انسانی است؛ یعنی اخلاق درونی میانه باشد و هیچ تندروی و کندروی در آن نباشد... و یا در حوزه اعمال است که شامل گفتار و تکالیف فردی و کارهای اجتماعی می شود.

... [چنان که خدای متعال در قرآن فرموده:] «و آن گاه که سخن می گوئید، به عدالت بگوئید، اگرچه خویشاوند باشد».

... و باید دانست که موضوع عدالت از مهم ترین موضوعات است... و هر کار نیک و خلق و خوی پسندیده و فکر درست به آن بازمی گردد... و عدالت همان چیزی است که در هر مورد و هر جایی خواسته شده است.^۲

با این بیان جامع، روشن است که عدالت مفهومی بسیار گسترده دارد و در همه امور عالم تشریحی جاری است. طبق بعضی روایات، مثل آنچه به پیامبر نسبت داده شده که «بالعدل قامت السموات والارض»^۳ استفاده می شود که عدالت در امور تکوین و خلق نیز امری عام و همگانی است.

با این مقدمه، به بحث درباره عدالت مهدوی و آثار فردی و اجتماعی آن خواهیم پرداخت.

امام مهدی، امام عدل

آخرین حجت الهی، عصاره تمام انبیا و اولیا است و وجود بی مثال او چشمه همه خوبی ها و زیبایی هاست. اما در صدها روایت، سخن از عدالت گستری او مطرح شده و از آن بزرگوار به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد گردیده است.

۱. التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۸، صص ۵۵-۵۹.

۲. در مقام بعثت و رسالت قرآن فرموده: ﴿و أمرت لاعدل بینکم﴾ [الشوری، ۱۵] و در مقام هدایت الهی فرموده: ﴿ان الله یامر بالعدل والاحسان﴾ [النحل، ۹۰]. در مقام حکم کردن میان مردم: ﴿واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل﴾ [النساء، ۵۸] و در مقام عفو و عهود: ﴿ولیکتب بینکم کتاب بالعدل﴾ [البقره، ۲۸۲] و در مقام شهادت: ﴿اتانن ذوا عدل منکم﴾ [المائده، ۱۰۶]. و در مقام اصلاح: ﴿فاصلحوا بینهما بالعدل﴾ [الحجرات، ۹]. التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۸، ص ۵۸.

۳. عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۱۰۲.

در کتاب مکیال المکارم آمده است:

عدل آشکارترین صفات نیک امام است. برای همین (آن بزرگوار) در دعای شب‌های

ماه رمضان «عدل» نامیده شده است: «اللهم و صلّ علی ولی امرک القائم المؤمل

والعدل المنتظر! خداوندا، به ولی امر خود که قیام‌کننده آرمانی و عدل مورد انتظار

است درود فرست.»^۱

و در زیارت حضرت (ع)، این گونه با او نجوا می‌کنیم:

«السلام علی القائم المنتظر والعدل المشتهر.»^۲

سلام بر قیام‌کننده مورد انتظار و عدالت آشکار.»

لبنابر این عدالت گستره مهم‌ترین رسالت آن سفیر موعود است و دیگر ارزش‌ها در همین

بستر و جریان زنده خواهد شد. آری، دوران او، روزگار پر شدن زمین و زمان از عدل و داد

است..

دامنه عدالت او همه‌جا، حتی زوایای ناپیدای جامعه را خواهد گرفت؛ هم‌چون سرما و گرما

به درون خانه‌های مردم نفوذ خواهد کرد و روابط آن‌ها را در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی هم

تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.^۳

تراز تمدن مهدوی، عدل است که در پرتو آن، دیگر ارزش‌ها حاکم خواهد شد و به سبب

جریان عدالت، در همه عرصه‌های جامعه، بساط هرگونه ظلم و ستم برچیده می‌شود.

یطهرالله به الارض من کل جور و یقدهسها من کل ظلم... فاذا خرج وضع

میزان العدل بین الناس فلا یظلم احد احداً.

خداوند به وسیله او زمین را از هرگونه ستم پاک خواهد کرد و از هرگونه ستم،

قداست می‌بخشد... آن‌گاه که او قیام کند، ترازوی عدالت در میان مردم نهاده، پس در

روزگار او هیچ کس به دیگری ستم روا ندارد.^۴

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. مکیال المکارم، موسوی اصفهانی، ص ۱۱۸.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت صاحب‌الامر.

۴. امام باقر (ع) فرمود: «به خدا سوگند، عدالت را به درون خانه‌های مردم می‌برد، آنچنان که سرما و گرما به خانه‌ها نفوذ می‌کند». (بحار الانوار،

ج ۵۲، ص ۳۶۲)

۵. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

عدالت مهدوی، عدالتی فراگیر

وقتی سخن از عدالت مطرح می‌شود، ذهن‌ها بیشتر به سوی عدالت قضایی یا اقتصادی می‌رود. به گمان افراد، مقصود از عدالت آن است که در محاکم قضایی به حق داوری شود و حق هر صاحب حقی به او داده شود. نیز، در عرصه اقتصاد، همه افراد جامعه از مواهب مادی بهره‌مند باشند و در این عرصه، ستمی بر افراد نرود. حال آنکه براساس آنچه در معنی عدالت گذشت، عدالت به معنی آن است که در همه عرصه‌ها حق و انصاف رعایت گردد. به همین دلیل، جامعه‌ای را جامعه عادل می‌دانیم که در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی آن، عدالت حاکم باشد. بنابراین ما هم در روابط فردی و هم در روابط اجتماعی، عدالت باید خود را نشان دهد. همچنین در حوزه‌های گوناگون اجتماع، مثل سیاست، فرهنگ، اقتصاد، عدالت نیز حکم‌فرما باشد.

اینکه در روایات اسلامی، امام مهدی(ع) به عنوان پرکننده زمین از عدالت معرفی شده است، می‌تواند به همین معنی باشد که او عدالت را در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی جاری خواهد ساخت. در واقع، ارزش‌های دینی و آمال و آرزوهای انبیا و اولیا در پرتو عدالت مهدوی به اجرا درآمده و عالم‌گیر خواهد شد.

در این مقاله، به بررسی اجمالی آثار فردی و اجتماعی عدالت مهدوی می‌پردازیم.

آثار فردی عدالت مهدوی

آدمی در زندگی فردی خود، بریده و جدای از اجتماع نیست و همه‌جا به نوعی با دیگران در ارتباط است. ولی منظور از بررسی آثار فردی عدالت مهدوی مفهومی است که در برابر آثار اجتماعی مطرح می‌شود. در آثار اجتماعی، به بررسی عدالت مهدوی و نقش آن در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست و فرهنگ خواهیم پرداخت؛ اما در بخش آثار فردی، به آثار اجرایی عدالت در دیگر شئون زندگی انسان می‌پردازیم.

رابطه انسان با خود

آدمی پیش از هر کس و هر چیزی باید تکلیف خود را با «خود» روشن کند و با تشخیص قابلیت‌ها و استعدادهای خود، آن‌ها را در مسیر رشد و تعالی خود به کار گیرد. این مستلزم معرفتی درست و عملی صحیح و معروف است. در جوامع مختلف بشری، انسان‌ها به دلیل ناآگاهی و به دنبال آن، عمل و اقدام نادرست، استعدادهای الهی و انسانی خود را از بین برده و یا در مسیر نادرست به کار گرفته‌اند. امام مهدی (عج) در حکومت عدل خود، این انحراف‌ها و

کجی‌ها را راست خواهد کرد. آری، در سایه تربیت مهدوی، فطرت‌ها بیدار می‌گردد و نیازهای حقیقی و واقعی انسان‌ها مجال بروز پیدا می‌کند. آدم‌ها به دنبال پاسخ‌گویی به ندای فطرت الهی خواهند بود و آرزوهای دروغین و خواهش‌های پوچ کمرنگ می‌شود. این چنین است که شاهره‌های سعادت و بهروزی به روی بشر گشوده می‌شود.

این نقطه آغاز اصلاح است که همه بدانند برای چه آمده‌اند و به کجا می‌روند و در این قرارگاه موقت چه وظیفه‌ای دارند. این شروع خردورزی و تعقل است و مرحله نخست یافتن نفس:

امام باقر(ع): وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان نهد و به سبب آن، عقل‌های ایشان را کامل کند و اخلاق ایشان را به تکامل رساند.^۱

پیش از این زیاد خوانده‌ایم و شنیده‌ایم که بالاترین معرفت‌ها معرفت نفس است و این مهم در دوران مهدی (عج) و در سایه عدالت او قابل دست‌رسی برای همگان است. آن روز زمینه و بستر آگاهی‌بخشی و تزکیه مردم به گونه‌ای است که همگان به این معرفت و آگاهی خواهند رسید و کلید گنج سعادت را به کف خواهند آورد.

رابطه انسان با دیگران

آدمی گرچه تنها به دنیا می‌آید و تنها از دنیا می‌رود، در این دنیا بی‌گمان در ارتباط با دیگران زندگی می‌کند. بنابراین بزرگ‌ترین فصل کتاب زندگی او «رابطه با دیگران» است و در همین بخش است که ممکن است ارزش‌های زیادی را خلق کند و پاس بدارد و یا چهره‌های زشت و ناپسند از اجتماع انسان‌ها به نمایش گذارد.

آدمی در رابطه با دیگران است که تصمیم می‌گیرد، حرف می‌زند و اقدام می‌کند. داد و ستد او و واکنش و موضع‌گیری او در برابر دیگران بخش زیادی از روابط او را تشکیل می‌دهد. اگر این بخش از زندگی آدمی مسیری درست و پسندیده یابد، بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی به تحقق پیوسته است. صداقت، امانت‌داری، ایثار، سخاوت، گذشت، حسن ظن و اعتماد به دیگران، تعاون، نصیحت و خیرخواهی و ده‌ها فضیلت دیگر در همین عرصه خود را نشان می‌دهد. با آمدن این فضیلت‌ها به عرصه روابط اجتماعی، جایی برای نفاق، خیانت، تنگ‌نظری و خودخواهی، انتقام، بددلی و بدگمانی، خودمحوری و سوء نیت نمی‌ماند.

عدالت واقعی و راستین آن است که به همه این‌ها در روابط انسانی پایان دهد؛ وگرنه در

حکومتی که مردم آن ارتباطی ناسالم و ناشایست داشته باشند، چگونه انتظار برقراری عدالت و دادگری در حوزه‌های مختلف می‌رود؟

مهدی (عج) که مظهر عدالت الهی است، مردم را چنان به قرآن و سنت پیامبر می‌خواند و تعالیم آن دو را در میان جامعه نشر می‌دهد که انسان‌ها به تزکیه الهی و معرفت خدایی دست می‌یابند و آن هدفی که در آیات قرآن برای رسالت انبیا مطرح شد که «یعلمهم الكتاب والحکمة و یزکیهم»^۱ تحقق می‌یابد و عملی می‌شود.

در سایه عدالت مهدوی، امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌شود و مهدی (ع) و یاوران او پیش‌رو مردم در این فریضه الهی خواهند بود و به دلیل زنده شدن این ارزش قرآنی، همه ارزش‌ها و فضیلت‌ها جان می‌گیرد. «بها تقام الفرائض»^۲.

در حیات مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی در قلوب مردم نمی‌ماند و وقتی کینه از دل‌ها رفت، بهانه‌ای برای خیانت، خودخواهی، انتقام، بدگمانی و... نخواهد بود و اخلاق مردم اخلاق محمدی و علوی خواهد شد.

امام علی (ع) می‌فرماید:

«ولو قد قائم قائمنا... لذهبت الشحناء من قلوب العباد».

«چون قائم ما قیام کند کینه از دل‌ها بیرون رود».^۳

با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه‌ها به محبت و دوستی تبدیل می‌شود و روابط اجتماعی براساس انسان دوستی شکل می‌گیرد. در نتیجه، اخلاق نیکو در جامعه بشری گسترش می‌یابد. هم‌چنین در سایه حکومت عدل مهدی (عج)، خداوند بی‌نیازی را در دل مردمان قرار می‌دهد و حرص و آزمندی از وجود انسان‌ها رخت می‌بندد.

پیامبر (ص) در وصف روزگار مهدی (ع) فرمود:

«و يجعل الله الغنی فی قلوب هذه الامة».

«خداوند بی‌نیازی و غنا را در دل‌های این امت پدید آورد».^۴

حرص و آز ریشه بسیاری از تجاوزها و ستم‌های مالی و غیرمالی است. عدالت مهدوی در عرصه تربیت، انسان‌ها را از این رذیلت پاک ساخته و به گوهر غنا و بی‌نیازی می‌آراید و

۱. بقره، ۱۲۹؛ «کتاب و حکمت را به ایشان تعلیم دهد و آنها را تزکیه کند».

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۵. «بوسیله امر به معروف و نهی از منکر همه واجبات اقامه می‌شود».

۳. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

بدین سان راه را برای بسیاری از خوبی‌ها و صفات نیک می‌گشاید.
بنابراین عدالت مهدوی در عرصه روابط فرد با دیگران، ضامن اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است و این از مهم‌ترین و ارزشمندترین آثار عدالت است.

رابطه انسان با خدا

انسان‌ها فطرتی خداجو دارند، چون بر این اساس آفریده شده‌اند؛ ولی بر اثر تربیت‌های نادرست و بسترهای نامناسب اجتماعی، انحراف و کجی در پرستش و عبودیت آن‌ها راه پیدا کرده است که البته این کژراهی مادر همه انحراف‌ها و بیراهه‌هاست. در حکومت عدل‌گستر امام عصر، دین حق، به عنوان تنها راه سعادت، آشکارا بر همگان عرضه می‌شود و با مظاهر شرک و بت‌پرستی و کفر برخورد می‌شود؛ چرا که هیچ ظلمی از شرک بالاتر نیست.

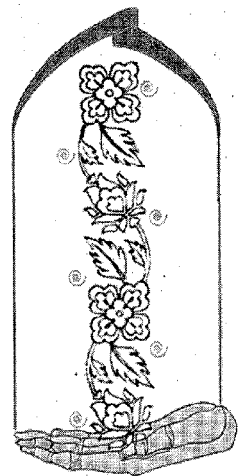
﴿و اذ قال لقمان لابنه و هو يعظه يا بني لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم﴾^۱

بنابراین برای این که عدالت و راستی و درستی در عرصه‌های مختلف زندگی بشر اجرا گردد، لازم است ریشه‌های شرک و کفر سوزانده شود؛ چرا که بدون آن، عدالت معنا و مفهومی ندارد. عدالت به معنی راه و رسم صحیح و پسندیده است و توحید و یگانه‌پرستی در عبادت، راه روشن و درست بندگی است. به همین جهت، سرلوحه برنامه‌های جهانی مهدوی، کفرستیزی و شرک‌زدایی است؛ به گونه‌ای که جامعه بشری جامعه‌ای یگانه‌پرست و مسلمان گردد.

ابوبصیر می‌گوید از امام صادق (ع) درباره این آیه شریفه پرسیدم که می‌فرماید:

﴿هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون﴾^۲

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان خوش نداشته باشند».



۱. لقمان، ۱۳، «و آن گاه که لقمان به فرزندش گفت - در حالی که او را پند می‌داد - فرزندم برای خدا شریک قرار مده، زیرا که شرک ظلم بزرگی است».

۲. توبه، ۳۲.

آن حضرت در پاسخ فرمود:

والله ما انزل تأويلها بعد قلت جعلت فداك و متى ينزل؟ قال: حتى يقوم القائم ان شاء الله فاذا خرج القائم لم يبق كافر و مشرك الا كره خروجه...^۱
به خدا سوگند، هنوز تأویل این آیه نازل نشده است. گفتم فدایت شوم، پس کی نازل می‌شود؟ فرمود: زمانی که به خواست خدا قائم(ع) قیام کند. پس در آن هنگام، هیچ کافر و مشرکی نمی‌ماند، مگر این که از قیام او ناخشنود است... .

امام باقر (ع) نیز در توضیح این آیه فرمود:

﴿وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله﴾^۲

تأویل این آیه هنوز نیامده است و هرگاه [قائم ما قیام کند، آن کس که زمان او را دریابد، تأویل این آیه را خواهد دید و هر آینه در آن زمان] دین محمد (ص) به هر کجا که شب می‌رسد، خواهد رسید؛ به گونه‌ای که بر سطح زمین، اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند فرموده [و وعده نموده] است.

آثار اجتماعی عدالت مهدوی

در دنیای امروز، اجتماع و روابط اجتماعی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. وقتی از اجتماع سخن گفته می‌شود، عرصه‌های گوناگونی در نظر است که باید در همه آن‌ها برنامه‌ای سالم برای تعامل اجتماعی تدوین گردد. بشر در طول قرون گذشته، در حوزه‌های گوناگون اجتماع؛ مانند سیاست، حکومت و فرهنگ به ویژه اقتصاد، شاهد نابسامانی و آشفتگی و بی-عدالتی بوده است و همواره در پی راهی بوده تا به این بخش‌ها سازمان و نظامی عادلانه ببخشد؛ ولی تقریباً هیچ‌گاه و در هیچ ملت و دولتی توفیق چندانی حاصل نشده است؛ اگرچه بعضی از شهرها و یا دولت‌ها با تلاش فراوان به سهمی از عدالت در بعضی از عرصه‌ها دسته یافته باشند.

با این توصیف، همگان در انتظارند که مهدی موعود(ع) و عدالت منتظر از راه برسد و همه حوزه‌های اجتماع را به عدالت و دادگری هدایت کند و به معنی واقعی کلمه، عدالت را جهانی کند. این امیدی بجا و آرزویی بحق است که براساس برنامه‌های دولت امام مهدی (عج) قابل دسترسی است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰، ح ۵۸.

۲. انفال، ۳۹ «يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقوبات...»

عدالت در فرهنگ

دانستن، شناخت و رشد علمی و فرهنگی حقی همگانی است؛ ولی در نظام‌ها و حکومت‌های دنیا امکانات آموزشی به طور یکسان برای همه اقشار فراهم نیست و همیشه این‌گونه بوده که عده‌ای خاص امکان رشد و تعالی آموزش دارند و البته این عادلانه نیست. از آثار عدالت مهدوی آن است که همه طبقات، از هر نژاد و ملیتی و بدون هیچ‌گونه تبعیض، می‌توانند در زمینه‌های فرهنگی فعال بوده و مدارج علمی را طبق قابلیت و استعداد خود بیمایند.

در نظام دادگستر امام مهدی (عج)، با توجه به اینکه علم و دانش رشد فزاینده‌ای دارد، آن‌ها که در جوامع مختلف از این موهبت الهی محروم بوده‌اند می‌توانند از علم و دانش بهره فراوان گیرند؛ برای مثال زنان که در جوامع گوناگون محرومیت‌های بسیاری را چشیده‌اند و از جمله در ساحت علم و فرهنگ مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند، در دولت مهدی به جایگاه والایی از دانش دست می‌یابند.

در روایتی درباره روزگار مهدی (عج) آمده است:

«و تؤتون الحکمة فی زمانه حتی ان المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله و سنة رسول الله»^۱

در دوران او، شما از حکمت برخوردار می‌شوید؛ تا آن‌جا که زن در خانه خود، برابر کتاب خدا و روش پیامبر (ص) قضاوت می‌کند.

بعضی روایت بالا را این‌گونه ترجمه کرده‌اند که دانش بعضی از زنان در عصر حاکمیت مهدی (ع) به اندازه‌ای است که در درون منزل با استنباط شخصی (همچون مجتهد علوم دینی) به انجام تکالیف شرعی می‌پردازند. در این صورت، اوج رشد و تعالی فرهنگی و آموزشی زنان معلوم می‌شود. و اگر به معنی قضاوت هم باشد، باز هم حکایت از همان تعالی و ترقی است؛ زیرا که امر قضاوت از امور بسیار مهم بوده و نیاز به دانش بسیاری دارد.

عدالت در اقتصاد

یکی از مصادیق ظلم آشکار، نابرابری و عدم تعادل طبقات مختلف مردم در مسائل اقتصادی است که در جای جای جهان پهناور و حتی در کشورهای مدعی حقوق بشر دیده می‌شود. آن‌چه می‌تواند به این بی‌سامانی، سامان دهد و غبار محرومیت را در این عرصه از چهره عالم انسانی بزدايد همانا اجرای عدالت اقتصادی است.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

ان الله لم يترك شيئاً من صنوف الاموال الاّ و قد قسمه و اعطى كل ذي حق حقه الخاصة والعامة والفقراء والمساكين و كل صنف من صنوف الناس فقال: لو عدل في الناس لاستغنوا...^۱

خداوند همه ثروت‌ها (از انواع منابع درآمد) را میان مردم تقسیم کرده است و به هر کس حقش را داده است، کارگزاران و توده مردم و بینوایان و تهی‌دستان و هر گروهی از گروه‌های مردم. سپس امام فرمود: اگر عدالت برقرار شده بود، همه مردم بی‌نیاز شده بودند.

بنابراین از نظر تعالیم اسلامی، اگر حاکمیت درست و اسلامی باشد، برنامه‌های حکومت به درستی تنظیم شده و مجریان آن نیز در جای خود به کار گمارده شوند، محرومیت و نیازمندی در جامعه نمی‌ماند؛ زیرا حکومت حق و کارگزاران لایق آن به دنبال اجرای اصول عدالت خواهند بود و با چنین اقدامی همه مردم، به رفاه و بی‌نیازی خواهند رسید.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

... يتنعم امتي في زمانه نعيما لم يتنعموا مثله قطّ البرّ والفاجر يرسل السماء عليهم مدراراً ولا تدخر الارض شيئاً من نباتها.^۲

در زمان او [مهدی (عج)] مردم به نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند؛ چه نیکوکار و چه بدکار. آسمان پیوسته بر آنان بیارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را ذخیره نکند.

عدالت اقتصادی به عوامل گوناگونی بستگی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها عدالت در بخش تولید و توزیع است. از آثار عدالت در دولت مهدی (عج)، این است که امکانات تولید در اختیار همگان است و هر کسی می‌تواند از زمین و انرژی و امکانات طبیعی برای تولید بهره بگیرد. از این رو افراد زیادی به اشتغال و کار سالم روی می‌آورند و هر کسی به اندازه همت و توان خود امکان رشد و پیشرفت دارد. البته این همه در راستای رفع نیازهای واقعی جامعه است؛ یعنی تولید در مسیر مطالبات و نیازهای اجتماع است. بنابراین هم تولیدکنندگان بهره‌مند می‌شوند و هم جامعه به رشد و رفاه اقتصادی می‌رسد.

از سوی دیگر، از عوامل مهم ظلم‌های اقتصادی بی‌عدالتی در عرصه توزیع است. تقسیم ثروت ملی به صورت نابرابر و اختلاف فراوان و غیرمنطقی میان درآمدها و واسطه‌گری‌های بی‌جا، شکاف طبقاتی گسترده‌ای را باعث شده است. بنابراین اثر عدالت مهدوی در عرصه

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۸.

اقتصادی، تقسیم اموال عمومی به شکل مساوی در میان مردم است.
پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

ابشركم بالمهدی یبعث فی امتی... یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض یقسم المال صحاحاً. فقال له رجل: و ما صحاحاً؟ قال: السویة بین الناس.^۱

به مهدی بشارتتان می‌دهم. او در میان امت من برانگیخته می‌شود... ساکنان آسمان و زمین از او خشنود خواهند بود. او اموال را به درستی تقسیم می‌کند. مردی پرسید: مقصود چیست؟ فرمود: به شکل مساوی میان مردم تقسیم می‌کند.

در روایتی دیگر از امام باقر(ع) آمده است:

«... فانه یقسم بالسویة و یعدل فی خلق الرحمان، البرّ منهم والفاجر...»^۲.

آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می‌کند و میان همه مردم به نیکوکار و بدکار به عدالت رفتار می‌نماید.

از روایت بالا معلوم می‌شود که در مواردی که برابری میان مردم از مظاهر عدالت است، اموال به تساوی تقسیم می‌شود؛ نه این که در همه موارد به همگان یکسان پرداخت شود. در واقع، برابری میان مردم با هدف تأمین ضروریات و امکانات اولیه زندگی است و برای همه افراد و اقشار از یک حد منطقی و رفاهی معقول برخوردار باشند. و نیز از آن بزرگوار روایت شده است:

«... و یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجاً الی الزکوة.»^۳

او [امام مهدی (عج)] میان مردم به مساوات رفتار می‌کند تا آن جا که نیازمند زکات دیده نشود.

و از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمودند:

ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربها... و یطلب الرجل منکم من یصله بماله و یأخذ منه زکاته فلا یجد احداً یقبل منه ذلک و استغنی الناس بما رزقهم الله من فضله.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۸۱.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان، ج ۵۲ ص ۳۹۰.

۴. بحار، ج ۵۲ ص ۳۳۷.

هنگام قیام قائم ما، زمین با نور خدایی روشن گردد و... شما به جست‌وجوی اشخاصی
برمی‌آیید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی‌یابید که از شما بپذیرد و مردمان
همه به فضل الهی بی‌نیاز گردند.

بنابراین از آثار عدالت اقتصادی در جامعه مهدوی، برخورداری همه افراد جامعه از یک
زندگی مادی مطلوب و آبرومند است؛ به گونه‌ای که افراد نیازی به درخواست مال نداشته
باشند و این سطح از زندگی در کنار رشد عقلانی و اخلاقی و ریشه‌کنی رذایلی هم‌چون حرص
و آزمندی از دل و جان انسان‌ها می‌تواند حیات طیبه و پاکی را فراهم کند که در ساحت آن،
رشد و تعالی معنوی و روحی مردم بهتر و منطقی‌تر قابل دست‌رسی باشد. از دیگر آثار عدالت
اقتصادی در روزگار مهدی (عج)، عمران و آبادانی زمین است. در دوران حاکمیت حکومت‌های
غیر الهی، آبادی تنها برای بخش‌هایی است که به گونه‌ای با دستگاه حاکم در ارتباط بوده و یا
از جایگاه ویژه اجتماعی برخوردار باشند. مناطقی از کشورها که طبقه محروم جامعه را در خود
جای داده است، مورد بی‌مهری حاکمان قرار گرفته و گاهی به شکلی غیرقابل سکونت در
می‌آید. ولی عدالت مهدوی در عرصه اقتصادی به آبادانی شهرها و روستاها و حتی زمین‌های
بایر می‌انجامد؛ زیرا اولاً این از سیاست‌های حکومت مهدی است که در روایات به آن تصریح
شده است^۱ ثانیاً لازمه عدالت گسترده و جریان یافته در بخش‌های اجتماعی، همین است که
جای ویرانی باقی نماند و همگان - در هر طبقه اجتماعی که باشند - از مواهب الهی بهره‌مند
گردند.

عدالت در قضاوت

در جوامع مختلف بشری، امر قضاوت جایگاه ویژه‌ای دارد و هیچ مجموعه کوچک یا
بزرگی از انسان‌ها نیست که به دستگاه قضاوت و دادگستری نیازمند نباشد. شاهرگ حیات این
دستگاه اجرای عدالت در آن است. اساساً دادگستری برای گسترش عدل و داد تأسیس شده
است و بدون آن، هیچ جایگاهی برای آن نیست. ولی متأسفانه باید گفت که در همین
دادگستری‌ها و مراکز قضایی، ستم‌های فراوانی به انسان‌ها شده و حق افراد زیادی پایمال
گردیده است.

در عصر حاکمیت مهدی (عج) که عدالت در همه زوایای زندگی اجتماعی جریان می‌یابد،
این عدالت به دستگاه‌های قضایی هم نفوذ کرده و جریان دادرسی را بر اساس حق و عدل
تنظیم می‌کند. اینجا از مهم‌ترین مراکزی است که عدالت در آن پیاده می‌شود و امام مهدی

(عج) با دقت و وسواس بر اجرای داد نظارت دارد.

از روایات استفاده می‌شود که امام مهدی (عج) در قضاوت مانند جد بزرگوارش امیرالمؤمنین (ع) عمل می‌کند و بر گرفتن بی‌کم و کاست حقوق مردم اصرار دارد؛ حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان آن غاصب بیرون کشیده و به صاحب حق باز می‌گرداند.^۱

در زمان حکومت آن دادگستر جهان، چنان عدالت مهدوی همگانی می‌گردد که مردگان آرزو می‌کنند که به زندگی بازگردند و از برکات عدالت او بهره‌مند شوند.^۲

این دقت و گستردگی عدالت به دلیل آن است که سیستم قضایی امام مهدی (ع)، دستگاهی بسیار گسترده و مجهز و برخوردار از ابزارهای فراطبیعی است. در سیستم قضایی اسلام قضاوت براساس بینات و شواهد بوده است و از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود:

«من در میان شما بر پایه سوگندها و بینه‌ها قضاوت می‌نمایم».^۳

ره‌آورد این‌گونه داوری عدالت ظاهری است؛ ولی در روایات مربوط به دوران حاکمیت مهدی (عج) آمده است که آن حضرت به شیوه حضرت داوود (ع) قضاوت می‌کند که او براساس الهامات الهی و علم لدنی داوری می‌کرد و نه بر پایه شاهد و گواه. امام صادق (ع) فرمود:

دنیا به پایان نخواهد رسید تا آن که مردی از خاندان من ظهور نماید. وی به شیوه داوود (ع) حکم خواهد نمود؛ بینه نخواهد خواست و به هر کس حقش را اعطا خواهد نمود.^۴

و در روایتی دیگر فرمود:

زمانی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، در میان مردم به مانند داوود (ع) حکم خواهد نمود و به بینه نیازی نخواهد داشت؛ چرا که خدای تعالی امور را به وی الهام می‌فرماید. وی بر پایه دانش خود داوری می‌کند و هر قوم را به آنچه مخفی و پنهان نموده‌اند آگاه سازد.^۵

۱. منتخب الاثر، ج ۲، ص ۳۳۲. (به نقل از عقدالدرر، ص ۳۶)

۲. همان، ص ۶۵ ح ۳۶۷.

۳. کافی، ج ۷، ص ۴۱۴.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۵. همان، ص ۳۳۹.

ره‌آورد چنین داوری عدالت واقعی است و حتی اگر مظلومی نتواند برای اثبات حق خود به شاهد و گواهی دست یابد، به سبب این گونه قضاوت، به حق خود خواهد رسید.

البته این از ویژگی‌های عصر مهدی (عج) است و با مجموعه حکومتی و فضای حاکم بر آن سازگاری دارد و اینکه پیامبر (ص) به علم شخصی خود قضاوت نمی‌کرد و منتظر شهود و گواهان می‌شد؛ شاید بدان دلیل بود که این امر پس از او سنت و شیوه قضایی قرار گیرد؛ یعنی قاضیان براساس شهود و گواه قضاوت کنند و نه براساس اطلاع و علم شخصی، تا نظام قضایی اسلام یک جریان روشن و مشخصی داشته باشد و دچار هرج و مرج و اختلال نگردد. اما در زمان مهدی (عج) که زمان حکومت معصوم (ع) است، داوری براساس علم و اطلاع شخصی به عدالت نزدیک‌تر و بلکه عین عدالت است؛ چرا که تکیه بر گفتار گواهان تنها به عدالت ظاهری خواهد انجامید.

جای این سؤال باقی است که در هسته مرکزی حکومت، چنین قضاوتی توسط شخص حضرت انجام می‌گیرد و امکان پذیر است؛ ولی در دیگر نقاط عالم چگونه ممکن است که قاضیان منصوب از سوی حضرت این گونه عمل کنند و به عدالت واقعی دست یابند؟ در پاسخ باید گفت: چنان که گفتیم، امکانات دولت مهدوی و سیستم اطلاعاتی زمان حضرت به گونه‌ای است که سیستم قضایی مهدی (عج) را یاری می‌کند. به روایت زیر توجه کنید:

امام صادق (ع) فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند در هر یک از مناطق جهان فردی را برگزیده ارسال می‌دارد و به وی می‌گوید: پیمان تو به دست توست و اگر با مطالبی رو به روی شدی که آن را نفهمیدی و قضاوت را در موردش ندانستی به دست خود نگاه کرده و به آن چه در آن است عمل نما.^۱

و این گونه اطلاع‌رسانی و خبرگیری از مرکزیت قضایی ممکن است به اعجاز و یا به سبب پیشرفت وسایل ارتباطی در روزگار مهدی (عج) باشد.

سخن آخر

همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد عدالت مهدی(ع) دامنه‌ای به گستردگی حیات مادی و معنوی انسان دارد و ما تنها به برخی حوزه‌های فردی و اجتماعی عدالت پرداختیم و اکنون حُسن ختام گفتار را سخنی از امام صادق(ع) قرار می‌دهیم که در تفسیر آیه شریفه ﴿اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها...﴾ فرمودند: یعنی خداوند زمینی را به عدالت قائم(ع) در هنگام ظهورش زنده می‌کند پس از آنکه به سبب ستم پیشوایان گمراهی مرده باشد.^۱